

● عکس شاه در نشریه مصور

ایلوستراسیون، روزنامه‌ای هفتگی و مصور در فرانسه است که از سال ۱۸۴۳ تا ۱۹۴۴ در پاریس منتشر می‌شود. این نشریه را ادوار شارتون بنیان می‌گذارد و نخستین شماره‌اش در ۴ مارس ۱۸۴۳ چاپ می‌شود تا نخستین روزنامه مصور فرانسه منتشر شود. انتشار نخستین عکس و عکس رنگی در مطبوعات فرانسه و همکاری با نویسندگان، عکاسان و هنرمندان برجسته، از جمله ویژگی‌های این نشریه است و می‌توان گفت که در تاریخ روزنامه‌نگاری تصویری نقشی پیشگامانه دارد.

شماره ۲۹۹۶ این هفته‌نامه مصور، مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۰ میلادی (۶ مرداد ۱۲۷۹ خورشیدی) از منابع تصویری و مطبوعاتی ارزشمند درباره نخستین سفر اروپایی مظفرالدین شاه قاجار محسوب می‌شود، چرا که به مناسبت حضور شاه ایران در اروپا، پرونده‌ای ویژه به شرح مسیر سفر، هیئت همراه و جلوه‌های دربار قاجار اختصاص داده است. گزارش این شماره با عنوان شاه در فرانسه، آغاز می‌شود و نویسنده ضمن شرح حرکت شاه از تهران، تبریز و قفقاز به سوی اروپا، اطلاعاتی درباره سازمان دربار، تشریفات سلطنتی و همراهان او ارائه می‌دهد. در کنار متن، تصویر ورود شاه به تبریز منتشر شده است، تصویری که ازدحام مردم، سواران قاجاری و فضای استقبال رسمی از پادشاه را نشان می‌دهد.

همچنین در صفحه‌ای دیگر، عکسی از مظفرالدین شاه و جمعی از رجال بلندپایه دولت قاجار در ورشو به چاپ رسیده و تصاویر علی اصغرخان اتابک اعظم، مشهور به امین السلطان، و نصرا... خان ناظم‌الملک، وزیر مختار ایران در پاریس، نیز به خوانندگان فرانسوی معرفی شده است.

از مهم‌ترین بخش‌های این مجموعه، تصویر تمام‌صفحه «کالسکه سفر شاه ایران» است که کاروان سلطنتی را در حال حرکت نشان می‌دهد. این تصویر نه تنها بازتابی از تشریفات و شکوه دربار قاجار است، بلکه از نگاه اروپاییان به «شرق» و نمایش عناصر پرشکوه و نمایشی قدرت سلطنتی نیز پرده برمی‌دارد. هنرمند با ترسیم سواران، محافظان، خدمتگزاران، چادرهای همراه و جمعیت انبوه، کوشیده است عظمت موبک شاهی را برای مخاطب فرانسوی مجسم سازد.

تصاویر متعددی از دیدار شاه با مقامات فرانسوی، حضور در مراسم رسمی و گشت‌وگذار در خیابان‌های پاریس منتشر شده است. همچنین این نشریه تصاویری از بازدید شاه از نمایشگاه جهانی ۱۹۰۰میلادی پاریس را پوشش داده است. در ضمیمه آن نیز، نت موسیقی «سلام شاه، یا همان «سرود ملی ایران»، ساخته آلفرد لومر منتشر شده که از نمونه‌های اولیه معرفی موسیقی رسمی دربار ایران به اروپاییان است.

● تئور فرانسوی

جالب آن است که هنوز بعد از انتشار گزارش این روزنامه، سوء قصدی به جان مظفرالدین شاه در پاریس رخ می‌دهد که ضارب در کار خود موفق نیست و آسیبی به شاه ایران نمی‌رسد. داستان این سوءقصد در سواد نامه‌ای که از زبان مظفرالدین شاه به معتمدالحرم، رئیس خواجه‌سرایان حرم مظفری نوشته شده، چنین نقل شده است: «معتمدالحرم‌ان شاء... احوال شما خوب است و امورات از هر جهت منظم و مرتب است. ما هم بچمدا... با کمال خوبی و خوشی چند روز است در پاریس هستیم که فی‌الحقیقه جای شما خالی است. چند روز قبل حادثه‌ای [به ما رخ نموده بود که خدا نخواست و فضل به عنایت الهی با ما همراه بود. بچمدا... به خیر گذشت و تفصیل این است؛ در روز پنجشنبه پنجم شهر ربیع‌الثانی مهمان وزیر امور خارجه و به «ورسایل» موعود و نهار را می‌پایست به آنجا برویم و البته شنیده‌اید که [کاخ] ورسایل از جاهای دیدنی و یا راه‌آهن و یا با کشتی بخار یک ساعت راه است که عمارت ناپلیان و ابنیه قدیم و آستانه سلطنتی دولت فرانسه در آنجاست. روز مزبور... در همان بیرون عمارت [با] ملاحظه سوار کالسکه شدیم که رو باز بود. جناب اشرف صدراعظم و وزیر دربار و خیوان فرانسه مهاندار خودمان را هم در کالسکه نشاندند و بی‌ویم. از عمارت بیرون آمدیم. تماشاچی هم زیاد بود و دم خیابان ازدحام کرده بودند. ما مشغول تماشای اتوموبیل‌ها شدیم و متوجه آن‌ها بودیم. یک دفعه پدِرسوخته مثل برق به سمت کالسکه ما جست و خیز نموده رولور را کشیده و دستش را تا توی کالسکه آورد و پهلوی ما را نشانه کرده بود. طوری از جای خود حرکت نکرد که انسان از اطراف کسی ملتفت او بشود. پدِرسوخته مثل این بود که پر داشت و یک مرتبه پرید. چون خدانخواسته بود وزیر دربار هم الحق جرئت و کمال رشادت را نمود فی‌الحقیقه جان خود را اسیر مافزار داد و از خود گذشته و در نهایت چابکی و تردستی فوراً بند دست آن را گرفته و امان و مجال نداد و هر چه تفلاد کرد که طیانچه را از دست وزیر دربار بیرون بیاورد نتوانست. تا این که پلیس‌ها جمع شده پدِرسوخته را گرفته و گرفتار شد و معلوم شد که بسیار پر قوت و پرزور بود که این پلیس‌ها جمع شدند با هزار زحمت گرفته و محقق گردید که وزیر دربار وقتی بند دست این پدِرسوخته را گرفته و کشاکش می‌کردند خیلی هنر کرده است....»

نگاهی به اوضاع خراسان و مشهد در آستانه و هم‌زمان با نخستین سفر مظفرالدین‌شاه به اروپا

سایه سفرهای فرنگ بر مشهد



صفحه نخست هفته‌نامه مصور «ایلوستراسیون»، مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۰ میلادی. با تصویری از مظفرالدین‌شاه قاجار



تصویری از مظفرالدین‌شاه قاجار در یکی از سفرهای اروپایی‌اش؛ احتمالاًسفر سوم. چهره مظفرالدین‌شاه را در این عکس مقایسه کنید با عکس‌هایی که از او می‌شناسید و در ایران گرفته شده است.

و با تثبیت پایگاه‌های خود در مرزهای شمال شرقی از سه سال پیش، هراس عیقی در دل اهالی مشهد ایجاد کرده است. خود شهر مشهد نیز در این دوران، به صحنه رقابت اطلاعاتی دو قدرت بزرگ تبدیل شده است. یک سو کنسولگری روسیه است که از سال ۱۲۷۶ خورشیدی تأسیس شده و با تأسیس بانک استقراضی در مشهد در سال ۱۲۷۳ خورشیدی و ساخت جاده‌های نظامی به سمت مرز، نبض اقتصادی شهر را در دست دارد. دریک سو هم کنسولگری انگلیس است که از سال ۱۲۶۸ خورشیدی فعال شده و برای مقابله با نفوذ روس‌ها، بر مسیرهای تجاری منتهی به سیستان و هند نظارت می‌کند.

● میراث ناامنی سالارالدوله

تنها یک سال پیش از آنکه شاه راهی اروپا شود، مشهد و اطراف آن هنوز از تبعات شورش ابوالفتح میرزا سالارالدوله (پسر ظل السلطان و نوه ناصرالدین شاه) رنج می‌برد. او در سال ۱۲۷۶ خورشیدی با بهره‌برداری از ضعف حکومت مرکزی و نارضایتی‌های عمومی، در خراسان علم طغیان را برافراشته و موفق می‌شود با جلب حمایت برخی از سران ایلات کرد و ترکمن، بخش‌های وسیعی از شمال و غرب خراسان از جمله نواحی قوچان، بجنود و سبزوار را به تصرف خود درآورد.

این شورش تا نزدیکی دروازه‌های شهر مشهد پیشروی می‌کند. حضور

نیروهای شورشی در حومه‌شهر، وحشت بزرگی میان اهالی ایجاد می‌کند. اما مهم‌ترین تأثیر این شورش، ناامنی شدید جاده‌های خراسان است. مسیرهای حیاتی تجارت و زیارت، به‌ویژه جاده‌های دامغان-سبزوار، نیشابور-مشهد و قوچان-مشهد، عملابری کاروان‌های تجاری و زائران غیرقابل استفاده شده و زائران حرم امام رضا ^ع ناچار می‌شوند برای از امان ماندن از غارت، با کاروان‌های مسلح سفر کنند و به خوانین محلی باج بپردازند.

دولت مرکزی که توان سرکوب مستقل این طغیان را ندارد، ناچار به درخواست کمک از روسیه می‌شود. روس‌ها در ازای کمک به سرکوب شورش، امتیازات سیاسی و اقتصادی بیشتری در خراسان به دست می‌آورند که نفوذ آن‌ها را در مشهد دوچندان می‌کند.

اگرچه سرکوب کامل این شورش تا سال ۱۲۷۸ خورشیدی به طول می‌انجامد، اما آثار تخریبی آن بر امنیت منطقه و گسست پیوند میان دولت مرکزی و ایالت خراسان، تا زمان حرکت مظفرالدین‌شاه به سمت اروپا در سال ۱۲۷۹ خورشیدی همچنان باقی می‌ماند. در تأکید همین مورد می‌توان به تئور نافرجام حاکم وقت خراسان در حوالی نیشابور یک سال پیش از سفر شاه) اشاره کرد که نشان دهنده تداوم جو بی‌قانونی پس از شورش سالارالدوله است. این ناامنی‌ها که تأثیرات عمیقی بر ثبات شهر مشهد و ایالت خراسان بر جای می‌گذارد، در کنار بحران نان و قحطی، مشهد را در آستانه سفر شاه به فرنگ، به شهری پرتنش و ناآرام تبدیل می‌کند.

● خیز مشروطیت

مشهد در این دوره و پس از نخستین سفر مظفرالدین شاه شاهد درگیری‌های جدی بر سر مدیریت آستان قدس رضوی است. آستان قدس رضوی در ایام سفرهای شاه، نه تنها یک نهاد مذهبی، بلکه قدرتمندترین سازمان اداری و اقتصادی خراسان است و مظفرالدین‌شاه که برای سفرهای بعدی خود (نظیر سفر دوم در ۲۲ فروردین ۱۲۸۲ و سفر سوم در ۱۶ خرداد ۱۲۸۴ خورشیدی) همواره با کمبود بودجه مواجه‌است، به درآمدهای آستان قدس چشم دارد و درصدد انتصاب افراد وفادار به خود برمی‌آید. این مسئله به کشمکش‌های شدیدی میان دولت مرکزی و نخبگان محلی مشهد منجر می‌شود برای نمونه تغییرات مکرر متولیان، از جمله انتصاب اسدا... خان علم و میرزا علی‌اکبر قوام‌الملک، با مقاومت علما و رجال محلی همچون میرزا مهدی مجتهد روبه‌رو می‌شود که بر استقلال مالی آستان تأکید دارند و با هرگونه سوءاستفاده مالی از موقوفات توسط متولیان اعزامی از تهران مخالفت می‌کنند. این کشمکش‌ها خدمات آستان را مختل کرده و بر نارضایتی عمومی می‌افزاید. در آن سوی میدان، مظفرالدین‌شاه پس از بازگشت از سفر اول، برای تأمین مخارج دربار و سفرهای بعدی، در ۷ خرداد ۱۲۸۰ خورشیدی دوام و سوم او همچنین با وام‌های جدید از روسیه (۱۰ میلیون روبل) و بانک شاهی انگلیس (۲۹۰ هزار لیره) صورت می‌گیرد؛ مجموعه اقداماتی که تنها بر فقر عمومی و نارضایتی در شهرهایی چون مشهد می‌افزاید. از جمله می‌توان گفت که فشار مالی ناشی از افزایش حقوق گمرکی توسط مسیو نوز بلژیکی برای تأمین مخارج سفر سوم شاه در خرداد ۱۲۸۴ خورشیدی، نهایتاً مشهد را نیز به موج نارضایتی‌های سراسری پیوند می‌زند که به صدور فرمان مشروطیت منتهی می‌شود؛ فرمانی که شاه تنها ۱۰ روز پیش از مرگش در ۱۸ دی ۱۲۸۵ آن را نهایی می‌کند.

● خرید اولین چراغ الکتریکی حرم

بازگشت مظفرالدین شاه از نخستین سفر اروپایی در نخستین شماره روزنامه ادب به تاریخ ۴ رمضان ۱۳۱۸ قمری (برابر با ۵۶ دی ۱۲۷۹ خورشیدی) انعکاس یافته و آمده که پس از بازگشت شاه جشن مفصلی ترتیب داده شده است اما علاوه بر این جشن، نخستین سفر مظفرالدین‌شاه سوغات دیگری هم برای مشهد دارد؛ شاه در این سفر چراغ الکتریک و چراغ نفتی را می‌شناسد. او در سفرنامه‌اش درباره چراغ‌های نفتی نوشته است: «چراغ‌های نفتی خیلی بلندی خوبی داشت که خیلی روشنایی می‌داد از این نوع چراغ آن‌شاء... چند عدد خواهیم خرید.» او سپس به وزیر اعظم دستور بازدید و سپس خرید آن‌ها را می‌دهد. در همین سفر و در بروکسل دستگاه چراغ برق را هم می‌بیند و آن را برای آستان قدس می‌خرد. طبق اسناد آستان قدس رضوی و نامه نصرا... مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، در تاریخ ۲۶ خرداد سال ۱۲۸۰ خورشیدی اسباب چراغ الکتریسیته و همه ملزومات آن از بروکسل برای روضه مطهره حضرت رضا^ع خریداری شده‌است. همچنین شاه در بازگشت از سفر در ایستگاه قطار خاجماس با حاجی محمدباقر تاجرباشی دیدار می‌کند و مسئولیت دایرکردن چراغ برق آستانه را به او می‌سپارد.

روزنامه ادب در ۱۲ اسفند سال ۱۲۷۹ خورشیدی در این باره می‌نویسد: «به جهت تزئین رواق منوره آستان مطهر حضرت ثامن‌الائمه و دستگاه چراغ الکتریکی به حرم هدیه و راه‌آورد تقدیم نمودند و چراغ مزبور به توسط جناب حاجی محمدباقر رضایوف به مبالغی خطیری ثمنی گزاف خریداری گشته در پنجم دی القعدة وارد مشهد گردید.»

می‌رسانند. اما معماری بنا شواهدی از دوره صفویه نشان می‌دهد. حمام تون نمونه یک گرمابه کلاسیک دوره اسلامی ایران است و همه اجزای معماری آن را دارد: سردر ورودی، هشتی، دهلیز، سربینه، میان‌در، گرم‌خانه، خزینه و تون یا گلخن. در قدیم به هیزم‌دان گرمابه‌ها گلخن یا تون هم می‌گفتند. مجد همگر، شاعر هم عصر سعدی که مدتی هم در دستگاه اتابکان فارس منصب ملک‌الشعرایی داشت، در اشعارش به تون و قاین هم اشاره می‌کند و چنین برمی‌آید که به این منطقه هم سفر کرده است. در میان اشعار همگر، او در یک رباعی به این هم معنایی اشاره کرده است: «بشنو لغزی که سخت موزون باشد/کلی که به جزء در بود چون باشد/دیدیم بسی تون که به گرمابه بود/گرمابه دیدیم که در تون باشد.»

● معماری حمام کوشک

حمام کوشک دو ورودی مخالف جهت هم دارد؛ یکی رو به شمال غربی و دیگری به سوی جنوب غربی. این ملاحظات برای استفاده زنان و مردان بوده است. ویژگی بارز حمام‌های تون این است که زیر زمین ساخته می‌شوند. یعنی زمین پیش‌خان مسجد کوشک، سقف حمام کوشک است و نورگیرهای حمام روی زمین تعبیه شده است. معمولاً حمام‌های تون با یک سردر شبیه ورودی آب‌انبار به زیر زمین و هشتی گرمابه می‌رسیدند. برخی دلیل این اتفاق را زلزله‌های پیایی این شهر بیان می‌کنند، اما بین بناهای این شهر تاریخی، فقط حمام زیرزمین ساخته شده‌است. پس از هشتی، یک راهرو با اندکی چرخش به سربینه یا جامه‌کن حمام می‌رسد. دلیل این پیچش هم جلوگیری از خروج هوای گرم داخل حمام بوده است. سقف این بخش هاطق گهواره‌ای و جناغی است. سربینه حمام کوشک پلانی صیبی شکل دارد و طاق نماهای جناغی دور فضا، سکو و فضاهایی برای قراردادن کفش و لباس از دیگر بخش‌های آن است. تنها جایی که می‌شود قدری تزئینات در حمام دید، همین جاست؛ درست بالای سر مشتری‌های گرمابه، سقفی گنبدی است که گوشه‌هایش تزئینات کاربندی دارد. بعد از آن میان در، سپس گرم‌خانه است. گرم‌خانه بخش اصلی گرمابه‌های قدیمی است که کارشست‌و‌شو و کیسه‌کشی آنجا انجام می‌شده‌است. هیزم‌دان یا تون حمام هم کنار گرم‌خانه است که امروز تخریب شده است. بعد از این‌ها حمام کوشک همچنان با برخی فضاها ادامه دارد که البته امروز تخریب شده‌اند. این فضاها ورودی مجزا، احتمال زانه و مردانه بودن دو بخش حمام را بیشتر می‌کنند.

ادامه دارد...

درباره حمام تاریخی کوشک که یادگاری از تون قدیم است (قسمت اول)

چند ستون تاریخی در حوالی کویر نمک



حمام کوشک دو ورودی مخالف جهت هم دارد؛ یکی رو به شمال غربی و دیگری به سوی جنوب غربی

● حمام تون و تون حمام

شهر تون در سده‌های نخستین اسلامی از آبادی‌های شاخص خراسان بزرگ بوده است. تون در حاشیه کویر نمک از قدیم یکی از باران‌زاده‌های مهم شرق به غرب ایران محسوب می‌شده است. بیشتر مورخان و جغرافی‌دانان از جمله مقدسی، حافظ ابرو، مستوفی، اعتمادالسلطنه و... تون را شهری بزرگ و آباد توصیف و به اراک برج‌و‌بارو، خندق، قنات، مسجد جامع و... آن اشاره کرده‌اند. مقدسی، جغرافی‌دان سده چهارم، تون را شهری آباد و پرجمعیت توصیف می‌کند، اما ناصر خسرو در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «شهر تون شهری بزرگ بوده‌است اما در آن وقت که من دیدم اغلب خراب بود.» با وجود آن، سال ۶۵۳ قمری با حمله هلاکوخان مغول به خراسان،

هادی‌دقیق‌ادر طول تاریخ، از زمانی که انسان یکجانشینی را برگزیده،

عناصر معماری به فضای سکونتش اضافه کرده است. سربناه و خانه را می‌شود نخستین بنای عصر یکجانشینی دانست. با این حال، حتی در روستاهای اولیه هم ساختن خانه به‌تنهایی جواب‌گوی نیاز انسان نبود. حال همین افزایش نیازها را در دوره شهرنشینی در نظر بگیریم؛ بشر به چه فضاهایی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی، سپس نیازهای دیگرش نیاز داشت؟ پاسخ چندان ساده و در دسترس نیست، اما می‌شود از شواهد باستان‌شناسی به بخشی از این نیازها پی برد؛ کارگاه ساخت ملزومات زندگی، انبار ذخیره آذوقه و آب و... و حتی در مواقعی نیایشگاه یا عبادتگاهی برای تأمین نیازهای غیرمادی. با همه این‌ها، سنت زندگی رایج در هر منطقه از جهان متفاوت است. حتی قدری جلوتر در تاریخ، قلعه‌ها و برج‌و‌باروها، کاروان‌سراها، بازارها، آب‌انبارها و حمام‌ها هم بخشی از ستون‌های معماری زندگی شهری در ایران شدند. شهرهای تاریخی ایران هم از این قاعده بیرون نیستند و تقریباً در مطالعات تاریخی می‌شود به کمک شواهد باستان‌شناسی به سیر تکامل هر شهر پی برد.

خراسان بزرگ با قدمت فراوانش پر از شهرهایی است که روزی در تاریخ این منطقه سروری می‌کردند، اما امروز به هر دلیلی، نیستند تا در امتداد آن تاریخ، جریان زندگی مدرن را هم تجربه کنند. موقعیت جغرافیایی شهرستان فردوس امروزی، جایی در همسایگی کویرهای مرکزی ایران است. فردوس چندان کوه‌ندارد، با وجود این، شمالش کوهستانی است اما جنوبش تا چشم‌کار می‌کند دشت و صحراست. کنار شهر فردوس و در حاشیه همین کویر یک شهر تاریخی است به نام «تون»، که جزو شهرهای بزرگ خراسان بوده است. از این شهر که در منطقه زلزله‌خیز قرار دارد، ویرانه‌ای مانده‌است که البته اکنون ستون‌های معماری شهری آن بازسازی شده‌اند. زلزله‌یای جان تون بوده و همین هم سبب شده‌است امروز تون و تاریخش حاشیه‌نشین شهر فردوس باشد. فردوس امروزی رسماً از سال ۱۳۴۷ پی‌ریزی شده‌است؛ مدتی پس از زلزله ساعت ۱۰:۴۷ روز ۱۰ شهریور ۱۳۴۷. با وجود این، چندین میراث‌آرزنه از این شهر باقی مانده‌است که برخی‌هایشان امروز بازسازی شده‌اند. مجموعه تاریخی کوشک تون شامل حمام و مسجد و آب‌انبار یکی از این ده‌ها اثر تاریخی بازمانده از تون است.

تاریخ
نگار